

مجله نهضت روحانیت

۲۳۱

اشاره

پس از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ افراد، احزاب و گروههایی بر ضد حکومت پهلوی در داخل و خارج از کشور فعالیتهایی را سامان می دادند و نشریاتی نیز منتشر می کردند. در خارج از کشور، چندین نشریه، حاصل تلاش فردی و جمعی مخالفان رژیم، منتشر می شد که البته تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. عراق، یکی از آن کشورهایی است که شماری از مخالفان حکومت را در خود جای داده بود. بی تردید شناخت و تبیین شیوه ها و انگیزه های فعالیت افراد و گروهها در آن کشور، خود تلاش سودمندی است که علاوه بر پرتوافکنی به گوشه های تاریک تاریخ معاصر، سره و ناسره در مسیر مبارزه علیه حکومت پهلوی در ایران را از هم جدا می سازد.

مجله نهضت روحانیت که از آذر ۱۳۵۰/شوال ۱۳۹۱ تا مرداد ۱۳۵۲/جمادی الثانی ۱۳۹۳، ۲۸ شماره از آن چاپ و توزیع گردید، از جمله این نشریاتی است که توسط گروهی از مخالفان رژیم پهلوی، مقالات و اخباری را منتشر ساخت. پرداختن به این نشریه از سه جهت دارای اهمیت است:

۱. تازگی و بکر بودن موضوع که تاکنون در منابع منتشره کمتر از آن یاد شده است. از این رو به جاست که در این مجال، در حد توان بهره گیری از شماره های موجود آن، ضمن بیان

چگونگی چاپ و توزیع، به گزارش اسناد ساواک درباره آن نیز پردازیم.

۲. مدیر آن از جمله افرادی بود که در دوران حکومت محمدرضا پهلوی، سمت‌های مهمی چون نمایندگی مجلس شورای ملی را در اختیار داشت. او پس از شکست در دست‌یابی به خواسته‌های خود، ناگزیر به عراق رفت و در آنجا به فعالیت - انتشار مجله نهضت روحانیت و همکاری با دولت بعثی عراق - پرداخت. به عبارتی دیگر انگیزه فعالیت او از انتشار مجله نه صرفاً مبارزه علیه بی‌عدالتیها و استبداد حکومت پهلوی بر ایران، بلکه خاستگاه شخصی داشت که در صورت تأمین آن، هیچ ضرورتی بر ادامه کار نمی‌یافت. این امر، با رویه تعدادی از مبارزان واقعی انقلاب کاملاً متفاوت است و هر کدام شاید در حوزه‌ای جداگانه مورد پژوهش قرار گیرد.

۳. موقعیت زمانی و تیرگی روابط سیاسی میان دو کشور ایران و عراق در اوایل دهه ۱۳۵۰ ش عامل اصلی فعالیت این قبیل افراد و انتشار مجله نهضت روحانیت بود که با بهبود روابط دو جانبه، آب از آسیابشان افتاد و مجله هم تعطیل گشت.

بی‌شک بحث درباره انگیزه و علل چاپ و توقیف این نشریه حوزه وسیعی از پژوهش را می‌طلبد؛ اما در این مجال کوتاه، اسناد ساواک و دیدگاه مأموران آن درباره نشریه نهضت روحانیت مورد توجه قرار گرفته شده است.

در اواخر ۱۳۵۰ ش هفته‌نامه‌ای با عنوان نهضت روحانیت در عراق (نجف اشرف) چاپ و منتشر گردید که از جهات مختلف توجه اکثر محافل سیاسی و امنیتی ایران را به خود معطوف ساخت، زیرا مدیریت و برنامه‌ریزی آن را یک ایرانی برعهده داشت که بنا به عللی، چند سال پیش از آن ایران را ترک گفته در نجف ساکن شده بود. مقالات این نشریه مسائل عالم اسلام، بویژه جامعه ایران در ادوار تاریخی را در بر می‌گرفت که در میان آنها، دوره سلطنت پهلوی، برای ناشر یا ناشرین نشریه مزبور اهمیت بسیاری داشت، زیرا نویسندگان آن بیش از هر مسئله‌ای به موضوعات گوناگون مربوط به امور اخیر ایران، می‌پرداختند.

به گفته سید محمود دعایی که هم‌زمان با انتشار نشریه نهضت روحانیت در عراق به فعالیت بر ضد رژیم پهلوی می‌پرداخت؛ «پدیده‌ای به نام نهضت روحانیت» در ابتدا یک برنامه رادیویی بود که ابتکار و پیشنهاد راه‌اندازی آن را «آقا سید مصطفی» (فرزند امام) داد؛ این برنامه به زبان فارسی و پس از مدت کوتاهی به صورت مستقل با عنوان «صدای روحانیت مبارز ایران» از رادیو بغداد پخش می‌شد. مدت زمان پخش آن بین ۱۵ تا ۲۵ دقیقه - و به ندرت نیم ساعت - متغیر بود و در ایران طرفداران بسیاری را جلب کرده بود که در مواقع پخش از مطالب آن بهره‌مند می‌شدند.^۱ اجرای آن برعهده سید محمود دعایی بود. عده‌ای از روحانیان مقیم و

مهاجر ایرانی در عراق نیز در پخش، اجرا و تهیه برنامه‌های آن به او کمک می‌کردند. از جمله ایرانیانی که در ابتدای کار این رادیو می‌کوشید در آن رخنه کرده، امور تهیه، تدارک و اجرای برنامه را در اختیار گیرد، تیمور بختیار بود که از ایران گریخته بود و در عراق علیه رژیم حاکم بر ایران فعالیت می‌نمود. او عده‌ای از ایرانیان مقیم عراق، مانند سیدموسی آیت‌الله زاده اصفهانی، مشهور به موسی اصفهانی، نوه آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی را گرد خود جمع آورده بود و تلاش می‌کرد مدیریت برنامه را در رادیو بغداد در دست بگیرد. اما با شناختی که عوامل اجرای برنامه صدای روحانیت مبارز ایران نسبت به بختیار داشتند، او را در رسیدن به این خواسته‌ها مأیوس و تلاشهایش را بی‌اثر کردند.^۲

پس از ترور تیمور بختیار، پناهیان - از افسران فرقه دمکرات - به پیشنهاد و پشتیبانی روسها، امور را در دست گرفت. به گفته‌دعایی در این زمان او با سوءاستفاده از کارآیی و نفوذ یکی از روحانیون ایرانی که در بیشتر بیوت مراجع و آیات عظام حوزه علمیه رفت و آمد داشت، اقدام به چاپ و نشر مجله‌ای به نام نهضت روحانیت کرد که به نظر می‌رسد به رغم هم‌نامی‌اش با نشریه‌ای که در فاصله آذر ۱۳۵۰ تا مرداد ۱۳۵۲ در نجف منتشر گردید و مأموران ساواک گزارشهایی را درباره آن تهیه کرده بودند تفاوت دارد. همین مجله با مدیریت پناهیان سرآغاز انتشار نشریه نهضت روحانیت زیر نظر سیدموسی اصفهانی بوده است. چه، بر اساس گفته‌های سیدمحمود دعایی، اولاً مدت انتشار مجله در دوران فعالیت و رهبری پناهیان کمتر از یک سال دوام نداشت، در حالی که شماره‌های موجود از نشریه حاضر دوره‌ای بیش از هجده ماه را نشان می‌دهد. از سوی دیگر اسناد موجود که توسط اداره‌های مختلف سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) و یا از طریق وزارت امور خارجه ایران تهیه و گزارش شده، به صراحت از سید موسی اصفهانی و دار و دسته او نام می‌برد که چاپ و انتشار نشریه را به عهده داشته‌اند. افزون بر این، اصفهانی هم در خاطراتش بر همین موضوع و نقش خود در انتشار نشریه نهضت روحانیت اشاره نموده، اداره امور مربوط بدان را به خود نسبت داده است^۳ در حالی که سیدمحمود دعایی انتشار مجله مزبور در دوران فعالیت پناهیان در عراق را منسوب به اصفهانی نمی‌داند.^۴

سید موسی آیت‌الله زاده اصفهانی فرزند حسن و نوه آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ ق/ ۱۳۲۵ ش) از مراجع بزرگ عالم شیعه مقیم عتبات عالیات بود که در ۱۳۰۹ ش در نجف اشرف به دنیا آمد. پدرش چند ماه پیش از تولد او، هنگامی که به قتل رسید که به امامت جدش، نماز جماعت می‌خواند. پس از آن سرپرستی سید موسی را آیت‌الله اصفهانی به عهده گرفت.^۵ او تحصیلاتش را در حوزه دین آغاز کرد و علوم فقه و اصول و زبان عربی را

آموخت. در ۱۳۲۲ ش به ایران آمد و در اصفهان ساکن شد. اما بزودی آنجا را ترک کرد و به همراه عمومی خود، روانه تهران شد و به دانشگاه تهران راه یافت و در رشته حقوق لیسانس گرفت. چندی هم برای گذراندن دوره دکتری به فرانسه رفت و درجه فوق لیسانس زبان و ادب فرانسه را از دانشگاه ادبیات سوربن دریافت کرد. در ۱۳۲۸/م ۱۹۵۹ ش دکتری فلسفه گرفت و همان سال به تهران بازگشت.^۶ مدتی استادیار دانشگاه تهران بود و در دانشکده، تجارت اقتصاد اسلامی درس می داد. در حزب ملیون هم عضویت داشت. در این اوان با حسین علاء، وزیر دربار، آشنایی یافت و به دربار محمدرضا پهلوی تردد می کرد. در انتخابات دوره نوزدهم مجلس شورای ملی شرکت جست که بعد از مدتی به علل نامعلومی انصراف داد و از ادامه فعالیت انتخاباتی پس نشست. اما در دوره بعدی (بیستم) به عنوان کاندیدای حزب ملیون از حوزه انتخابی لنجان (اصفهان) شرکت نمود و نماینده مردم لنجان در آن مجلس گردید.^۷ در این زمان حزب ملل اسلامی به رهبری «سید محمدکاظم موسوی بجنوردی»، فرزند «آیت الله حسن بجنوردی» مقیم نجف اشرف تأسیس یافت و با عضویت افرادی چون «محمدجواد حجتی کرمانی»، «حسن عزیزی»، «سیدمصطفی طباطبائی قمی»، «سیدمحمد سیدمحمودی موسوی»، «شهبازی»، «هاشم آیت الله زاده اصفهانی» و جمعی دیگر - که ۵۵ نفر بودند - برای مبارزه با حکومت پهلوی دست به اسلحه بردند که به گفته محمدکاظم بجنوردی، در این اوان سید موسی آیت الله زاده از جمله کسانی بود که از نظام سلطنت پهلوی دفاع و پشتیبانی می نمود.^۸

سید موسی اصفهانی در دوره بیست و یکم مجلس هم شرکت کرد که با شکست رو به رو شد و پس از چندی کم کم به سمت مخالفین دولت کشیده شد. در این هنگام به بانکها و افراد مختلفی بدهکار بود که توان پرداخت آنها را نداشت. بالاخره در خرداد ۱۳۴۳ ابتدا به عراق و از آنجا به مصر گریخت و در قاهره تأسیس «نهضت ایران آزاد»^۹ را اعلام کرد و بر ضد رژیم پهلوی و سلطنت محمدرضا شاه به فعالیت پرداخت. در شهریور همین سال که به فرانسه رفته بود توسط پلیس آن کشور به اتهام صدور چک بی محل در ایران، دستگیر و زندانی گردید. پنج ماه بعد که از زندان رهایی یافت به عراق رفت و به فعالیت خود علیه حکومت ایران ادامه داد،^{۱۰} ولی چندان که باید فعالیتش را آشکار نمی ساخت. تا اینکه حکومت بعثی در عراق روی کار آمد و در سایه تیرگی روابط دو کشور همسایه، او توانست فعالیتهای خود را گسترش داده علناً بر ضد حکومت پهلوی اقدام کند. به طوری که از سوی حکومت عراق نیز حمایت می شد.^{۱۱} با تیمور بختیار هم آشنایی و رفت و آمد یافته بود. بختیار که پس از فرار از ایران در بغداد به صف مخالفان محمدرضا شاه پیوسته بود، بعد از چندی رهبری گروهی را در آنجا به عهده گرفت.

آیت‌الله‌زاده با او روابط دوستی نزدیکی برقرار کرد و به عنوان دستیار، وی را یاری می‌رساند.^{۱۲} سیدموسی در بغداد به تقلا افتاد که با امام خمینی هم، که تازه از ایران به عراق (نجف اشرف) تبعید شده بود، تماس برقرار نموده، نظر و حمایت ایشان را جلب کند. ولی امام با شناختی که از او و روابطش با رژیم بعث عراق داشت، همواره وی را از خود دور نگه می‌داشت. آیت‌الله زاده در ۱۳۴۵ ش شناسنامه عراقی گرفت و با پذیرش تابعیت آن کشور با سمت استادیاری تدریس در دانشگاه بصره را از ۱۹۶۸ م/ ۱۳۴۷ ش آغاز کرد. به ادعای خود، یکی دو ماه پس از آنکه در بصره بود عوامل ساواک او را ترور کرده یک گلوله به پشت و یک تیر نیز به دستش خورد. یک استاد دانشگاه فلسفه به نام عبدالرزاق مسلم هم، که همراه وی بود، در این عملیات کشته شد،^{۱۳} اما او جان سالم به در برد.^{۱۴} اما سید محمود دعایی که هم‌زمان با وی در نجف مبارزه می‌کرد گفته است که او رفیق صمیمی شخص صدام بود و عملیات ترور استاد نامبرده با همدستی او و به طور ساختگی انجام گرفت.^{۱۵} دعایی در ادامه می‌افزاید: «بعثها در بصره قصد ترور یکی از استادان ناراضی و کمونیست را داشتند و چون اگر شخصاً این کار را می‌کردند آسیب می‌دیدند، با موسی اصفهانی هماهنگی کردند که ما می‌خواهیم صحنه تروری درست کنیم و وانمود کنیم که ساواک در بصره می‌خواسته شما را ترور بکند. اما تو این استاد را به یک جای خلوتی بیاور و ما او را به قتل می‌رسانیم. او همین کار را هم کرد و آن استاد بیچاره را به کشتن داد. این خدمت را برای آنها انجام داده بود، بعثها مدیون او بودند.»^{۱۶} از آن پس دولت عراق به وی نزدیک‌تر شد و در مقابل خواسته‌هایش نرمش نشان می‌داد؛ امتیاز انتشار نشریه نهضت روحانیت نیز یکی از مصادیق چنین نرمشهایی است.

۲۳۵

او در سال ۱۳۴۷ ش به دانشگاه بغداد منتقل و تا ۱۹۷۹ م/ ۱۳۵۸ ش در آنجا مشغول تدریس شد.^{۱۷} او در رادیو بغداد هم سخن‌رانی می‌کرد که از جمله آنها می‌توان به سخنرانی‌اش در مرداد ۱۳۴۸ به مناسبت جشن مشروطیت ایران اشاره کرد.^{۱۸}

آیت‌الله‌زاده در اوایل ۱۳۵۰ ش برای دیدار با «سید مهدی روحانی»، نماینده مذهبی دولت ایران در اروپا، به فرانسه رفت، اما سیدمهدی به بهانه آنکه قصد مسافرت به ترکیه و لبنان را دارد از دیدار با او سرباز زد. آیت‌الله زاده نیز پس از چند روز اقامت در فرانسه به برلین شرقی (آلمان) رفت و از آنجا به عراق بازگشت.^{۱۹}

وی در اواخر همین سال فعالیتش علیه حکومت پهلوی را با انتشار هفته‌نامه نهضت روحانیت پی گرفت. او مدعی است که در روزهای تبعید امام خمینی به نجف اشرف و به درخواست امام، اجازه نشر هفته‌نامه‌ای به نام نهضت روحانیت را به مدیریت سیدمصطفی، فرزند امام، از دولت بعثی عراق دریافت نمود و شماره‌های اول و دوم آن نیز منتشر گردید. ولی امام از انتشار

چنان نشریه‌ای با عنوان نهضت روحانیت، ابراز خرسندی نمی‌نمود؛ بنابراین خواستار تغییر عنوان آن بود. تا اینکه انتشار هفته‌نامه را خود به عهده پذیرفت و پس از آن نهضت روحانیت را با مدیریت خود چاپ و منتشر نمود. به دنبال آن امام هم او را از خود دور ساخت.^{۲۰} آیت‌الله زاده از جمله فعالان سیاسی بر ضد حکومت پهلوی در خاک عراق بود که برخلاف حضرت امام و یارانش، با دولت بعثی عراق ارتباط برقرار کرده از جانب آنها پشتیبانی هم می‌شد. چه بسا در بسیاری از انگیزه‌ها و برنامه‌های سیاسی علیه حکومت حاکم بر ایران از آن دولت الهام می‌گرفت و خواسته یا ناخواسته دیدگاههای آنان را در مبارزه به اجرا در می‌آورد. ناگفته پیداست که چنین مبارزه‌ای با آنچه امام خمینی و پیروانش در فعالیت بر ضد حکومت پهلوی و برقراری حکومت اسلامی در ایران به دنبال آن بودند و برای رسیدن بدان سختی می‌کشیدند در تناقض و تضاد آشکار بود؛ به گونه‌ای که آیت‌الله زاده پس از انقلاب اسلامی (بهمن ۱۳۵۷) به ایران آمد و خواستار سهمی در پیروزیهای مردم ایران شد، اما چون انگیزه‌ها و اهداف وی متفاوت بود طولی نکشید که به خارج از ایران رفت و به صف مخالفان نظام جمهوری اسلامی پیوست.

این هفته‌نامه به زبان فارسی چاپ می‌شد که در برخی از شماره‌های آن، یک یا دو مقاله نیز به زبان عربی، منتشر می‌شد.

عنوان نهضت روحانیت به صورت گرافیکی در داخل کادری قرار گرفته زیر آن عبارت «هدف ما استقرار حکومت مردم بر مردم است» قید شده بود. دست اندرکاران نشریه از شماره سوم به بعد آیاتی از قرآن کریم را نیز در سمت چپ عنوان نشریه، درون دو صفحه گرافیکی شده (به صورت کتاب)، گنجانیده بودند؛ آیه ۴ از سوره صف (در سمت راست) و آیه ۳۴ از سوره نمل (در سمت چپ) انتخاب شده بود.^{۲۱}

نخستین شماره نهضت روحانیت در آذر ۱۳۵۰ به دست چاپ سپرده شد. انگیزه و اهداف انتشار آن در اولین مقاله شماره سوم با عنوان «هدف ما» بیان شده است. نویسنده مقاله با اشاره به حکومت پنجاه ساله رژیم پهلوی در ایران و اینکه در این مدت بر ملت ایران انواع ستمها را روا داشته‌اند، ایران را «چون یک مزرعه خصوصی خاندان پهلوی» تعبیر کرده بود که با کمال بی‌رحمی و شقاوت با این مزرعه و ساکنینش رفتار می‌کنند. در ادامه افزوده بود:

هدف ما ایجاد راه مناسب در مبارزات ضدسلطنت است و آن راه مناسب و مثمر به وجود آوردن یک اتحاد و هماهنگی کامل بین همه قوای خبره‌ایست که واژگونی رژیم را نصب‌العین قرار داده است تا به حال و در مدت این پنجاه سال طبقات و گروه‌های مختلفی هر یک به سهم و نوبه خود وارد کارزار شده‌اند و از فداکاری دریغ نکرده‌اند و مردانه ایستادگی کرده‌اند. ولی قوای اهریمنی

در این شماره

اقدام شجاعانه

ما چه میخواهیم و چه میگوئیم

اعلامیه آیت الله عینی

شاعران شاعران ایران

تاریخ دودمان

با ورن جنگ نامی چریکی

پاسخ به باختر امروز

نهضت روحانیت

هدف ما

استقرار حکومت مردم بر مردم است

ما چه میگوئیم
و چه میخواهیم

اعتقاد واضح ما بر آن است که اقتدارات ایمن عمره یا نفعی که دادن راه اصلاحات باشد هیچ مردم و جنگ نیست و کج پس از دیگری صورت گیرد تا مردم ایران بداند انسانی که از وضع سیاسی ایران بقیه در سینه؟

**اعلامیه حضرت
آیت الله العظمی عینی**

بسمه تعالی، حسب دعوت مردم طیفان ملت عزم ایران انجم الله تعالی پس از عهد سلام و تسبیح گویا تذکر کرده ام که تنها چیزی که میتواند شد راه اجابت و قبول استعمارگر باشد و تکذیب ملت و دعاوی ذلالت اعلامی پیدا کند بقیه در سینه؟

اقدام شجاعانه

دولت عراق با اقدام شجاعانه قطع روابط سیاسی خود با استعمار و ایران بدلیلی عرن ثابت حکم کرد که این دولت در راه مصالح عالی خود هرگز از هیچ اقدامی فرو نرود و اینکه ما این تصمیم نهادهای و او که در راه مبارزه با استعمارگران سخن شما گفتا نکرد بلکه عملاً و بطور مثبت کام عالی شما را در پی داریم

تعاون اخیر دولت انگلستان استعمارگر و شاه خائن سه جرمه ابوموس شب بزرگ و خشن کوچک بدینا لایق کرد که چگونه نه تنها استعمارگر دولت اسرائیل دیگری بر منطقه خاور میانه بوجود آورد و وحشی دایان ما و گروه آنها را در لباس شاه من میبهراند

پشتیبانی از نهضت روحانیت

کتابچه «نهضت روحانیت» (روزنامه) با تأسیس و تدوین و انتشار در تهران و کابل و مشهد و تبریز و سایر شهرها در دسترس نهضت روحانیت است. مستقر در خیابان امیر کبیر، تهران. شماره تماس: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

نهضت روحانیت را در هر نقطه از ایران و خارج آن که در دسترس است، با همکاری و مساعدت نهضت روحانیت، اقدام کنید تا بتواند در جهت استقرار حکومت مردم بر مردم در هر نقطه از ایران و خارج آن، فعالیت کند.

شاه بر آنها غالب شد و نگذاشت اراده ملت تحقق بخشد. لهذا از گذشته بایست درس عبرت گرفت و ما قوای ملت و گروه‌های مملکت را دعوت به همکاری متحد و صمیمانه می‌نماییم و با اتحاد و هماهنگی هر قدرتی را درهم خواهیم شکست.^{۲۲}

«ما چه می‌گوییم و چه می‌خواهیم» عنوان یکی دیگر از مقالات همین شماره از مجله نهضت روحانیت بود که انتشار آن از شماره دوم (ذی‌قعدة ۱۳۹۱/دی ۱۳۵۰) آغاز و در شماره سوم و چهارم ادامه یافت. در این مقاله نیز بخشی از انگیزه‌های انتشار نشریه، مورد اشاره قرار گرفته، ضمن پرداختن به روابط غلط خارجی رژیم پهلوی، عمل و اجرای مفاد قانون اساسی «سند اراده ملی و حافظ استقلال و تمامیت کشور» و از اهداف نشر مجله قلمداد شده بود.^{۲۳}

بخش زیادی از مقالات نهضت روحانیت با عناوین متعدد، به رژیم حاکم در ایران می‌پرداخت و بر ماهیت چنان حکومتی که برخاسته از استبداد بود، یورش می‌برد؛ «تاریخ دودمان آریامهر فرزند اعلی حضرت فقید»، «مالیخولیای قرن»، «اصلاحات ارضی آریامهر»، «جمهوری خواهان چه می‌گویند و چه می‌خواهند»، «شاه و موشی دایان» و «رسوایی قرن»، از جمله مقالات متعددی است که در شمارگان پی‌درپی، حکومت محمدرضا پهلوی را به زنجیر نقد کشیده بود. در هر کدام از این مقالات به تاریخچه نارواییها و جوهرهایی پرداخته شده است که رژیم پهلوی بر ملت ایران روا داشته، به رغم غوطه خوردن در فسادهای گوناگون، همچنان بر آن نارواییها ادامه می‌دادند. گذشته از دستگاه حاکم، وزارت خانه‌ها هم از تیر حملات نشریه مزبور در امان نمانده بودند؛ به طوری که در یکی از شماره‌ها مقاله‌ای به قلم یکی از خوانندگان مجله منتشر گردید که در آن وزارت امور خارجه لانه فساد معرفی شده بود: «وزارت خارجه ایران یکی از مفتضحترین ادارات دولتی شده است. هر چه بچه مزلف و قرتی در اطراف و اکناف کشور ولولولو می‌زدند امروز در اتاقهای وزارت خارجه پستهای عالی رتبه را اشغال کرده‌اند.»^{۲۴}

۲۳۸

در تبیین روشهای مبارزه بر ضد حکومت پهلوی در ایران که گهگاهی هم به اقدامات مسلحانه نیز توصیه می‌شد، برخی از نوشته‌های مطرح و مشهور زمان مورد توجه نهضت روحانیت قرار گرفته در چند شماره نظر خوانندگان خود را بدانها جلب می‌نمود. از جمله به ترجمه جزوه جنگ چریکی، نوشته «کارلوس ماریکالا» پرداخت و آن را به صورت پاورقی در شماره‌های دوم و سوم و چهارم به چاپ رساند. درباره چرایی ترجمه و چاپ این جزوه می‌نویسد: «... و از آنجا که ما معتقد هستیم که واژگون ساختن رژیم شاه جز اقدامات مسلحانه چاره دیگری ندارد لهذا امیدوار هستیم که انتشار این کتاب مورد استفاده آزادیخواهان رزمجو قرار گرفته و از اینکه هفته‌نامه

نهضت روحانیت چنین خدمتی را به عهده گرفته است نهایت خوشوقتی است.»^{۲۵}

سپس در مقدمه‌ای نسبتاً طولانی، با یادآوری کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با اشاره به گذشت هفده سال از آن، جنایتهای استعمار و امپریالیزم جهانی را از یک سو، و خیانتهای پهلوی بر ملت ایران را از سوی دیگر تقبیح و نمایان ساخته است. به نوشته همین مقدمه، جنگ چریکی یک جزوه راهنمایی جنگ چریکی شهری بود که در برزیل به عنوان مرحله مقدماتی برای آغاز جنگ چریکی دهقانی نوشته و تهیه شده بود. نهضت روحانیت آن را از روی متن انگلیسی مندرج در مجله سه قاره شماره ۱۶ (۱۹۷۰م) به خاطر چند ویژگی منحصر به فرد آن را انتخاب و ترجمه کرده بود. اول اینکه نویسنده آن «کارلوس ماریکلا» رهبری مبارزات را به عهده داشته و تا آخرین نفس که در ۴ نوامبر ۱۹۶۹ در سائوپولو به قتل رسید بر نظریات خود تأکید داشت. ثانیاً جزوه جنگ چریکی تجربیات انقلابی جامعه‌ای را دربرمی‌گرفت که به زعم نویسنده مجله نهضت روحانیت با جامعه آن روز ایران «وجوه مشترک بسیاری» داشت.^{۲۶}

این نشریه علی‌رغم آنکه هفته‌نامه را بر صفحه اول خود داشت، در ماه نخست یک شماره و در ماه‌های بعدی هر ماه دو شماره منتشر می‌شد که از طریق پست به دست مخاطبان ویژه می‌رسید. ... هفته‌نامه نهضت روحانیت نیز که در کشور عراق توسط مقامات بعثی به چاپ می‌رسید در ایران توسط پست داخلی به تعداد ۱۰۰ نسخه جهت اشخاص مختلف، برخی از سفارت‌خانه‌ها، وزارت خانه‌ها و رؤسای دانشگاهها ارسال گردیده که اهم مطالب آن در مورد حمله به رژیم ایران و انتقاد از برنامه‌های اصلاحی دولت است.»^{۲۷} برخی از نشریات داخلی ایران هم برخی از مقالات آن را به نقد می‌کشیدند که از جمله آنها می‌توان روزنامه باختر امروز را نام برد. نهضت روحانیت نیز در شماره دوم (دی ۱۳۵۰)، در پاسخ به نقد روزنامه مزبور، واکنش نشان داد و ضمن اینکه نویسندگان و دست‌اندرکاران باختر امروز را «عده‌ای فرصت طلب» خواند، به فعالان و مبارزین ایرانی نسبت به اهداف و نوشته‌های آن هشدار داد. از این پاسخ چنین بر می‌آید که روزنامه مزبور، ناشرین، نویسندگان و دست‌اندرکاران مجله چاپ نجف را بی‌هویت خوانده ماهیت آنان را زیر سؤال برده بود که به همین دلیل نهضت روحانیت نوشته بود: «متأسفانه در شماره اخیر روزنامه باختر امروز که به عنوان ارگان جبهه‌های ملی، خود را معرفی می‌کند و نه معلوم [است] که در کجا طبع می‌شود و چه عناصری آن را اداره می‌کنند نسبت به روزنامه نهضت روحانیت عبارات توهین آمیزی را درج کرده است که ما بر خود لازم دانسته به صراحت بگوییم ما معتقد هستیم [از سوی] هر نشریه هر گام مثبتی که بر علیه رژیم شاه برداشته می‌شود از نظر ما قابل تقدیر و تقدیس است...». این مقاله افزوده بود: «گرداندگان روزنامه باختر امروز بدانند که آنهایی که روزنامه نهضت روحانیت را اداره می‌کنند آن اندازه

شجاعت و شهامت دارند که در صورت لزوم خود را معرفی کرده و حتی آدرسهای خود را در روزنامه درج کنند. نه مانند آقایان گردانندگان باختر امروز که معلوم نیست کی و چی هستند و از [چه] منبعی سرچشمه می گیرند و بدون هیچ دلیل و مستمسکی خود را نماینده جبهه های ملی معرفی می کنند که به هیچ وجه صحت آن معلوم نیست، ولی آنچه واضح است هدف اصلی هدم نیروهای آزادی بخش است.»^{۲۸}

در روزهای نخست انتشار نهضت روحانیت، اغلب منابع امنیتی از انتشار چنین نشریه ای بی خبر بودند. نخستین گزارشی که از چاپ و توزیع این هفته نامه به دست ساواک رسید به تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۵۰ باز می گردد که نشان می دهد پیش از این ناشر یا ناشرین آن را نمی شناخت. در این گزارش به چهار نسخه از نشریه نهضت روحانیت اشاره شده که مأموران کلاتتری یوسف آباد تهران، در ۱۲ اسفند ۱۳۵۰، آن را در پیاده روی یکی از خیابانهای حوزه استحفاظی خود به دست آورده بوده اند. فردای همان روز دایره اطلاعات پلیس تهران ضمن اعلام خبر، یک نسخه از نشریه را در اختیار ستاد مشترک کمیته ضدخرابکاری قرار داد تا واحدهای مسئول و مربوط اقدامات و بررسیهای بیشتری درباره آن انجام دهند؛ هر چند بر اساس پاسخی که در ذیل گزارش ستاد مشترک کمیته ضدخرابکاری و نیز ساواک، تا موقع تهیه و ارسال گزارش مزبور سابقه یا پرونده ای از نشریه نهضت روحانیت را در بایگانی خود نداشتند. بنابراین موضوع برایشان تازه و قابل پی گیری بود:

۱- از: پلیس تهران (اطلاعات)

۷- شماره گزارش: ۳/د۴۵۱۱

۲- به: ریاست ستاد مشترک کمیته ضدخرابکاری

۸- تاریخ گزارش: ۵۰/۱۲/۱۳

برابر گزارش کلاتتری یوسف آباد ساعت ۲۱۱۵ روز ۵۰/۱۲/۱۲ چهار نسخه نشریه نهضت روحانیت که در پیاده روی خیابان چمن آرا انتهای خیابان محمدرضا شاه به دست آمده یک نسخه آن به پیوست ایفاد می گردد. ک

از ساواک سؤال شود آیا ناشرین این نشریه جزو بازداشتیهای ساواک در قم می باشند و چه احکامی از ناشرین دارند. امضا ۵۰/۱۲/۱۴

ساواک هیچ گونه اطلاعی از ناشرین ندارد و تاکنون نشریه شماره ۱ را به دست آورده اند. این نشریه که شماره ۳ می باشد اطلاعی ندارند. [۱۳۵۰/۱۲/۱۴] به ساواک ارسال شود. امضا ۵۰/۱۲/۱۴

عیناً به ۳۱۲ ارسال گردد

حدود چهل روز بعد، گزارش دیگری توسط مأموران ساواک تهیه شد که از ارسال چند شماره از نشریه نهضت روحانیت به آلمان خبر می داد. بنابر همین گزارش، این نشریه علاوه بر عراق و ایران، در کشورهای دیگری چون آلمان، که افراد یا گروه‌هایی فارسی زبان در آن فعالیت داشتند، ارسال شده هوادار پیدا کرده بود. چنانکه در سطور پیشین گفته شد آلمان از جمله کشورهایی بود که سیدموسی آیت‌الله زاده، مدیر نشریه، به آنجا سفر کرده بود و احتمالاً در چند شهر آن مانند برلن شرقی با برخی از ایرانیان مخالف و فعال بر ضد رژیم پهلوی دیدار و روابطی برقرار کرده بود:

۴- تاریخ گزارش: ۵۱/۱/۲۱

۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۵۱/۱/۲۰

تعداد ۲۰ برگ روزنامه نهضت روحانیت از عراق به آدرس آلمان ارسال گردیده از طریق پست به دست آمده که عیناً جهت استحضار به پیوست ایفاد می گردد. خ بخش ۳۱۲ بررسی در صورت لازم در بولتن درج گردد. امضا ۵۱/۱/۲۲
[در پرونده ۱۵۳۴۲۵ بایگانی شود.]

۲۴۱

متن این روزنامه قبلاً طی گزارش وقایع روزانه به عرض رسیده و اوامری در مورد درج در بولتن صادر شده است. در سوابق مربوطه پس از بررسی بایگانی فرماید. امضا ۵۱/۱/۲۲
انتشار هفته نامه نهضت روحانیت و ارسال آن به شهرها و کشورهای مختلف، در بولتنهای خبری ساواک، که هر سه ماه یک بار درباره روحانیون و گروه‌های مذهبی تهیه و منتشر می شد، انعکاس می یافت و بخشی از اخبار و مطالب آن را به خود اختصاص می داد. این بولتنها که انتشار آن هر شش ماه، یک بار دیگر نیز تکرار می گردید، خلاصه حوادث سه ماه گذشته را در بر می گرفت و پس از ارزیابی آن و ذکر اقدامات انجام شده حاوی دستوراتی هم بود که رئیس ساواک یا مدیران دیگر ادارات مربوطه صادر می کردند. در بولتنی که در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۱ تنظیم شده چگونگی توزیع و مندرجات نهضت روحانیت به شرح زیر آمده است:

بولتن مورخه ۵۱/۲/۲۰

ارسال هفته نامه نهضت روحانیت وسیله پست شهری جهت برخی از اشخاص

مختلف، سازمانهای دولتی و سفارت خانه‌ها

اخیراً تعداد ۳۵ نسخه هفته نامه مزبور وسیله پست شهری جهت برخی از اشخاص مختلف، سازمانهای دولتی و سفارت خانه‌ها ارسال گردیده است. در این نشریه ضمن حمله به رژیم ایران از وضع اقتصاد کشور انتقاد گردیده و افزوده شده روزی نمی گذرد بر ملت ایران که در آن روز خبر محکومیت هم وطنی را به اعدام و یا حبس ابد و یا حبس طویل‌المدت از دستگاه تبلیغات پدر

تاجدار نشنود. که اهم مطالب آن قبلاً به استحضار رسیده است .
 ارزیابی خبر: ارسال نشریه صحت داشته و مطالب بالا در آن درج شده است .
 اقدامات انجام شده: نشریه های مزبور جمع آوری گردیده و نسبت به شناسایی عاملین توزیع آن
 اقدامات لازم معمول گردیده است .
 ساواک تهران چه می کند: نسبت به عوامل فلسفی توجیهی ندارد: ۱/ در بازار فعالیت می کنند.
 ۲/ بستگان متهمین را وادار به بست نشستن در منازل روحانیون می نمایند. ۳/ تبلیغات سوء
 می نمایند. ۴/ نشریه منتشر می کنند.
 بخش ۳۱۲ اوامر [فوراً] به ساواک تهران ابلاغ شده گزارش گردد.

امضا ۵۱/۲/۲۱

صدور دستورات سریع و ارائه راهنماییها در پای بولتن یادشده مبنی بر انجام پی گیریهای
 بیشتر و جدی که با لحنی تند و شدید همراه بوده ، نشانه اهمیت نشریه حاضر برای ساواک و
 حکومت شاه بود. این دستورات خطاب به ساواک تهران ، فاقد امضا بود و نمی توان منبع آن را
 به روشنی معین نمود؛ اما از گزارشی که ساواک تهران در عمل به دستورات ذیل تهیه کرده و به
 مدیریت کل اداره سوم (بخش ۳۱۲) فرستاده ، می توان دریافت که صادر کننده این دستورات
 مدیرکل اداره سوم ساواک بوده است .

۲۴۲

البته بخش زیادی از اهمیت موضوع انتشار چنین نشریه ای و بالطبع نگرانی حاصل از آن
 برای حکومت پهلوی - در دوران قدرت و استبدادش - بیشتر از آن رو بود که نشریه نهضت
 روحانیت به پشتوانه دولت بعثی عراق چاپ و منتشر می گردید و تغذیه کننده اصلی آن ، منابع
 اقتصادی و سیاسی کشور میزبان بود و نشریه نیز از آن دولت حمایت می کرد. به طوری که در
 صفحه اول شماره دوم (ذی قعدة ۱۳۹۱/دی ۱۳۵۰) مطلبی با عنوان «اقدام شجاعانه» در
 تجلیل از سیاستها و برنامه های دولت عراق به چاپ رسید:

اقدام شجاعانه: دولت عراق با اقدام شجاعانه قطع روابط سیاسی خود با انگلستان و ایران به
 دنیای عرب ثابت کرد که این دولت در راه مصالح عالیه جامعه عربی از هیچ اقدامی فروگذار
 نمی کند و با این تصمیم نشان داد که در راه مبارزه با استعمارگران به سخن تنها اکتفا نکرده بلکه
 عملاً و به طور مثبت گامهایی شجاعانه برمی دارد. تجاوز اخیر دولت انگلستان استعمارگر و شاه
 خائن به سه جزیره ابوموسی ، تنب بزرگ و تنب کوچک به دنیا ثابت کرد که چگونه دولتهای
 استعمارگر دولت اسرائیل دیگری [را] در منطقه خاورمیانه به وجود آورده و موشی دایانها و
 گولداماثيرها را در لباس شاه می پروراند.^{۲۹}

چنین تعرضات آشکاری در نهضت روحانیت به روشنی نشان از پشتیبانیهای مالی و

همه جانبه دولت عراق از آن می داد؛ بنابراین طولی نکشید که ساواک تهران طبق دستورات صادر شده مأموران خود را به تلاش واداشت که درباره این نشریه بررسی و جست و جویهای بایسته ای انجام دهند.

در اواخر اردیبهشت همین سال وزارت امور خارجه ایران هشت شماره چاپ شده از هفته نامه نهضت روحانیت را که از دفتر حفاظت منافع در عراق به دست آورده بود، به سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) فرستاد ۳۰، تا بخشهای تابعه به بررسیهای کلی و لازم درباره آن پردازند. ساواک نیز شماره های ارسالی را در اختیار اداره کل سوم قرار داد تا در ادامه وظیفه تأمین امنیت داخلی کشور تدابیری بیندیشد. این در حالی است که علاوه بر انتشار مجله حاضر در عراق، نشریه دیگری هم با عنوان جبهه کمیته مرکزی در نجف منتشر می شد که بر اساس اظهار منابع اطلاعاتی ساواک، آن مجله را نیز روحانیون فعال در آن کشور اداره می کردند. این خبر در اوایل مهر ۱۳۵۱ که هنوز مأموران ساواک از چگونگی انتشار و چاپ آنها وقوف کامل نیافته بودند به دست آمد و تحقیقات درباره نشریات مزبور ادامه داشت:

۲۴۳

۱- به: ۷۱۱

۲- از: ۲۱۱

منشأ: شایعات

۳- شماره گزارش: ۲۱۱/۳۵۶۱۲

۴- تاریخ گزارش: ۵۱/۷/۳

۶- گیرندگان خبر: ۳۱۲

۷- منبع: یکی از کارمندان دفتر حفاظت منافع ایران در عراق گفته می شود نشریه های عربی و فارسی در نجف و از طرف روحانیون تحت عناوینی مانند نهضت مبارزات روحانیت و (جبهه کمیته مرکزی) منتشر و در فرصتهای مناسب بین روحانیون پخش می گردد.

نظریه ۲۱۱: ۱- انتشار هفته نامه ای با عنوان نهضت روحانیت در عراق صحت دارد و اخیراً ۸ شماره آن که از وزارت امور خارجه واصل گردیده بود عیناً به اداره کل سوم ارسال گردید. ۲- در مورد انتشار نشریه (جبهه کمیته مرکزی) خبر و نشریه تأییدکننده ای واصل نشده و در مورد صحت و سقم موضوع تحقیق گردید که نتیجه متعاقباً اعلام خواهد شد.

دایره بررسی بهره برداری نمائید. امضا ۵۱/۷/۳

[در پرونده] ۱۵۳۴۳۵ بایگانی شود. امضا



هدف ما استقرار حکومت مردم بر مردم است

شماره (۱۱) هفته نامه نهضت روحانیت جمادی الاول / ۹۲ / نور ماه / ۱۳۹۱

سر مقاله	کارگران ایران	دو این شعاره
<p>شاه ضد دشنام</p> <p>ساعت ده این شبیه ضد کله و دوای ضد بیخ و ... و چیده ای بسیار دیگر همه شنیدیم و از چیده ها را می شناسیم اما انسان ضد نفس ... ضد اعانت ... ضد تقوی نه دیده و نختیده بر دیم تا چشم مان بهصال شاه ایران روشن شد .</p> <p>این امتیاز فوق العاده شاه بود این صفت نه تنها در حق روح انسان موجود نیست بلکه در حیوانات هم ناپید است .</p> <p>بلکه خانه شره ای در ایم که هر وقت با او بی عملی می کنیم تا او غفلت دیگر او را نمی بینیم و کاملاً معلوم بقیه در صفحه ۱</p>	<p>اندک و ترکیب کارگران کشور بهر مسوولت نیست . دولت با انتخابی موقع هر بار و با رقم را بکار میبرد .</p> <p>تعطیل زنان و مردان کارگر و روح کار زنان نیز معلوم نیست . با این وجه میتوان تضمین زد که در حدود هشتاد هزار کارگر در متجاوز از یکصد و چند هزار کارگاه صنعتی و پیشه وری و کارگاه های تولیدی بکلی اشتغال دارند .</p> <p>علاوه بر این همه در معاضد کار صنعتی نیز گروه گفوی از خرد سال و بزرگ سال کار میکنند که در این جمع نباشند است . از این همه در حدود هشتاد تا سیصد بقیه در صفحه ۲</p>	<p>(۱) شاه ضد مشتمل</p> <p>(۲) کارگران ایران</p> <p>(۳) آزادی</p> <p>(۴) کلمی بوزگ</p> <p>(۵) قلم ۱۶ خرد</p> <p>(۶) تیر و دیک طلایع الفبا</p> <p>آزادی - قلمه -</p> <p>از لحاظ اخلاقی آزادی شرط اساسی تحقق سعادت در فرد و در اجتماع است . حق در باره جانها و ایران دیگر میتوان گفت سعادت آنها در آنست که آزادی داشته باشند تا به کمال خود رسند و چیزی مانع نمو و تکامل و تجلی شخصیت آنها نباشد . اگر بقیه در صفحه ۳</p>

نکته حائز اهمیت، تلاش روزافزون مخالفان رژیم پهلوی در بیرون از مرزهای کشور، بویژه در عراق بود که روابط خارجی حکومت را در زمینه های گوناگون بیش از پیش تهدید می کرد. بنابراین وزارت امور خارجه و ساواک، بررسیها و جست و جویهای مأموران خود را در واحدهای تابعه خارجی و داخلی تشدید و تسریع دادند تا دست اندرکاران فعال نشریه را شناسایی کنند. دفتر حفاظت منافع دولت ایران در خاک عراق طی گزارشی که در ۱۳ آبان ۱۳۵۱ به اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه ایران فرستاد، اطلاعات ذی قیمتی پیرامون نهضت روحانیت در اختیار وزارت متبوع خود قرار داد؛ این گزارش به وسیله یکی از عوامل نفوذی آن دفتر در عراق تهیه شده بود و ضمن پرداختن به حوادث و مسائل موجود در میان دست اندکاران نشریه، از انتشار آن توسط دارودسته سیدموسی آیت الله زاده اصفهانی یاد می کند که به وسیله پست شهری برای طلاب دینی ارسال می گردید. این گزارش می افزاید که اکثر طلاب از دریافت نشریه مزبور خودداری می کنند. در همین باره، «سیدحمید روحانی» با اشاره به ضعف برخی از ایرانیان مقیم عراق که سوژه های اصلی را به دست رژیم بعثی عراق می دادند، بر این باور است که دولت عراق با بهره گیری از همان ضعفها توانست مجله روحانیت را به دست انتشار بسپارد. به نوشته او رژیم بعثی عراق عده ای را بر آن داشت «که با دستیاری موسی اصفهانی، روزنامه ای به نام نهضت روحانیت بیرون آورند که البته با واکنش شدید امام و برادران متعهد روحانی روبه رو شد و شکست خورد. لیکن رژیم عراق با همکاری موسی اصفهانی به نشر آن ادامه داد و نشریه ای شد که در خدمت ارتجاع و استعمار که مرتب علیه نهضت روحانیت و خط امام کارشکنی می کرد و سیاست غیراسلامی رژیم عراق را به نام نهضت روحانیت ایران تبلیغ می کرد.»^{۳۱}

۲۴۵

نامه دفتر حفاظت منابع ایران در عراق، به فعالیت تعدادی از مخالفان رژیم پهلوی که در عراق، اشاره و نامشان را همراه با محل های سکونتشان ذکر می کند:

شماره: ۱۸۰۳

تاریخ: ۱۳۵۱/۹/۱۳

بغداد

دفتر حفاظت منافع ایران در عراق

وزارت امور خارجه - اداره اول سیاسی

پیرو نامه شماره ۱۳۲۶ مورخ ۱۳۵۱/۷/۱۶ موضوع فعالیت افراد عضو به اصطلاح نهضت روحانیت در نجف اشرف به استحضار می رساند: مطالب زیر توسط آقای محمدرضا مدرسی طلبه علوم دینی به یکی از همکاران این نمایندگی اظهار شده است:

۱- به دنبال نزاعی که چندی قبل بین علی خلخالی فرزند نصرالله و چندتن از اعضای نهضت رخ داده بود، مأموران سازمان امنیت نجف مجدداً شیخ محمدرضا رحمت و سیدباقر موسوی مازندرانی را دستگیر نموده‌اند و به بغداد اعزام نموده‌اند. محمدرضا رحمت که روز ۸ آذر دستگیر شده هنوز در بغداد است. ضمناً از روز چهارشنبه ۸ آذر شیخ نصرالله خلخالی نیز دستگیر شده و تاکنون آزاد نشده است.

۲- دار و دسته سیدموسی آیت‌الله‌زاده موسوی اصفهانی هرماه نشریه‌ای به نام نهضت روحانیت منتشر و وسیله پست برای طلاب علوم دینی ارسال می‌نماید که اکثر طلاب از گرفتن این نشریه خودداری می‌نمایند. یک نسخه از نشریه مذکور مربوط به ماه آبان و سیله آقای محمدرضا مدرسی تسلیم شده است که به پیوست ایفاد می‌شود.

۳- افرادی که جزء دار و دسته مخالفین هستند و در مدرسه شماره یک سیدمحمد کاظم یزدی سکونت دارند عبارتند از: شیخ کروی - سید دعایی - شیخ سمیعی - شیخ انصاری (سابقها) - شیخ رحمت - شیخ ثقفی - سیدسجادی - شیخ مروارید - سیدباقر - شیخ شریعتی - شیخ رستمی - شیخ رحمانی قوچانی - شیخ نیکنام.

۴- افرادی که جزء دار و دسته مخالفین هستند و خارج از مدارس علوم دینی سکونت دارند عبارتند از: شیخ سیف‌الله قاسمپور دشتی - سید محتشمی تهرانی - سیدرضا برقع‌ای قمی - شیخ خلیل نائینی - شیخ محدث اهوازی شیرازی - شیخ طاووسی مشهدی.

۵- افرادی که جزء دار و دسته مخالفین هستند و در مدرسه شماره یک مرحوم آخوند سکونت دارند عبارتند از: سید عبدالحمید روحانی - شیخ اعلایی اصفهانی - (فعالاً در لبنان بسر می‌برند).
۶- در جلساتی که این افراد با یکدیگر دارند رئیس جلسه شیخ طاووسی است. جلسات صبح جمعه‌ها به نام دعای ندبه در منزل شیخ طاووسی منعقد می‌شود. گویا جلسات مخفی دیگری نیز دارند.

سید حمزه موسوی نیز که امروز به این نمایندگی مراجعه نموده بود مطالبی بیان داشته است که مؤید خبر دستگیری محمدرضا رحمت و شیخ نصرالله خلخالی بوده است. براساس گفته سید حمزه موسوی، ملاقات سازمان امنیت عراق نسبت به تعدادی از افراد به اصطلاح نهضت روحانیت به عنوان اینکه جاسوس ایران هستند مشکوک شده و قصد دستگیری آنان را دارد. سیدحمزه همچنین اظهار داشته است که یکی از طلاب علوم دینی که با این عده همکاری دارد به نام حسین معینی شیرازی اخیراً از طریق لبنان و سوریه به نجف بازگشته است. و نیز یکی از اتباع پاکستان به نام شیخ علی پاکستانی با مقامات امنیتی عراق بر علیه ایرانیان همکاری دارد. (درباره این شخص قبلاً نیز گزارش ارسال گردیده است.)
محمد خاکپور

وجود دودستگی میان مخالفان حکومت پهلوی، در هر نقطه‌ای که فعالیت داشتند یکی از خواسته‌های اساسی هیئت حاکمه ایران و دستگاه‌های ذی ربط بود که بی‌تردید در بروز و تشدید بسیاری از آن دودستگیها تأثیرگذار بودند و اعمال چنین سیاستی را برای پیشبرد اهداف خود لازم می‌شمردند. بی‌شک جمعیت ناشر و دست‌اندرکار هفته‌نامه نهضت روحانیت نیز از آسیبهای این سیاست و دودستگی حاصل از آن مستثنا نبوده فعالیت‌شان روز به روز در دایره تهدید و زوال قرار می‌گرفت.

بنابراین دستگیری و زندانی شدن چندتن از فعالان نشریه نهضت روحانیت به همان اندازه که مأموران اطلاعاتی و امنیتی ایران - در داخل و خارج از کشور - را به اهداف خود نزدیک می‌ساخت رهبران آن را هم از هدفشان دور نموده ادامه حیاتشان را در تنگنا قرار می‌داد. از این رو آنان با بهره‌گیری از حمایت دولت بعثی عراق، چند روز پس از دستگیری محمدرضا رحمت و سیدباقر موسوی مازندرانی، مقدمات آزادی یکی از عوامل مؤثر در امور نشریه را مهیا و از زندان رها ساختند؛ گزارش زیر که در ۵ دی ۱۳۵۱ از سوی وزارت امور خارجه ایران به ساواک ارسال شده حکایت از تلاش رهبران نهضت روحانیت دارد:

۲۴۷

اداره اول سیاسی

وزارت امور خارجه

شماره: ۲۵۱۶۸

تاریخ: ۵/۱۰/۵۱

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

پیرو نامه شماره ۱/م/۱/۲۴۶۶۶ مورخ ۵۱/۹/۳۰ منضم به نامه شماره ۱۸۰۳ مورخ ۵۱/۹/۱۲ دفتر حفاظت منافع ایران در عراق راجع به بروز دودستگی بین اعضای گروه به اصطلاح نهضت روحانیت اشعار می‌دارد:

اطلاع رسیده از دفتر حفاظت منافع ایران در عراق حاکی است که شیخ محمدرضا رحمت (شخص مورد اشاره بند یکم نامه فوق‌الذکر دفتر حفاظت) پس از بازداشت، به وسیله مقامات امنیتی عراق زیر شکنجه قرار گرفته ولی در تاریخ ۵۱/۹/۱۶ با وساطت رهبران به اصطلاح نهضت روحانیت آزاد شده است.

وزیر امور خارجه

نهضت روحانیت چه می‌نوشت؟ بخش مهم و توجه برانگیز مطالب این نشریه، اخباری بود که در هر شماره از آن صفحاتی را به خود اختصاص می‌داد. گذشته از برخی خبرهای روزمره، بیشتر این اخبار حوادث گوناگونی را دربرمی‌گرفت که به گونه‌ای در ارتباط با هیئت حاکمه ایران بود و سعی در نشان دادن میزان و عمق ستمها و بی‌عدالتیهای رژیم پهلوی نسبت به ملت

ایران داشت. نوع، ماهیت، موضوع و اهمیت اخبار مندرج در نهضت روحانیت حکایت از آن دارد که عوامل تهیه و تدارک آنها در منابع خبری نفوذ و در کار به دست آوردن آن اخبار و وسایل ارتباطی منسجم و قدرتمندی در اختیار داشتند. این ویژگی درباره آن دسته از اخباری که مربوط به مسائل داخلی ایران می‌شد و حتی مردم عادی ایران هم چندان از آن اطلاعی نداشتند، بیشتر مشهود است. به عبارتی دیگر برخی از اخبار مندرج در این نشریه درباره رخدادهایی بود که رسانه‌های داخلی ایران یا از آن بی‌خبر بودند یا از درج و پرداختن بدان محروم. که به نظر می‌رسد که همین شق دوم مقرون به واقعیت است. از جمله این خبرها، اخبار مربوط به تعداد و چگونگی اعدام فعالان و مبارزان سیاسی و مخالفان حکومت پهلوی در خور اهمیت است که در زندانهای مختلف ایران، شبانه و مخفیانه انجام می‌شد: «باز هم اعدام؛ روزی نمی‌گذرد بر ملت ایران که در آن روز خبر محکومیت هم‌وطنی را به اعدام و یا حبس ابد و یا حبس طویل‌المدت از دستگاه تبلیغات پدر تاجدار نشنود. ظواهر امر چنین نشان می‌دهد که شاه آنچنان دیوانه خون‌ریزی و شیفته خونخواری شده است که تصمیم بر آن گرفته در سرتاسر ایران خانه‌ای را نگذارد که بر عزیزانش نگرید و فامیلی بر یکی از بستگانش اشک فراق نریزد. این خونخواری و خون‌ریزی را که شاه و جلادان بی‌وجدان وی آغاز کرده‌اند ما را به یاد آن جنایتکاران بزرگ می‌اندازد که با جان مردم بینوا چون گوی بازی می‌کردند و برای زندگی هم‌وطنان خود کوچک‌ترین ارزشی قابل نبودند. ... ما در مقایسه شاه با نرون و یا چنگیز و یا تیمورلنگ به این نتیجه می‌رسیم که روح توحش و خونخواری در شاه به مراتب درنده‌تر از آن دیگران است.»^{۳۲}

آنچه در این باره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده، در سطور پیشین نیز بدان اشاره شد، منابع خبری مجله است؛ بدان معنا که دست‌اندرکاران نشریه با عوامل فعال در داخل خاک ایران ارتباط قوی داشته، مهارتی در کسب اخبار پنهانی و غیرقابل انتشار داشتند. البته در ذکر هویت این عوامل چندان که باید نمی‌توان سخنی گفت و از گروه یا افراد مشخصی نام برد. به گونه‌ای که در این باره منابع موجود به روشنی و صراحت سخنی بیان نمی‌کنند. اما با توجه به روابط دست‌اندرکاران نشریه نهضت روحانیت با اعضای فعال حزب توده در عراق، می‌توان گفت که این حزب از جمله منابع مهم و متنفذ مجله، در داخل و خارج از ایران، بود و در کسب و انتقال این گونه اخبار پنهانی به آنان سهم و نقش عمده‌ای را ایفا می‌کرد.

در برخی از شماره‌های مجله، صفحه‌ای با عنوان «صفحه اخبار» باز شده بود که اخبار ویژه‌ای در آن به چاپ می‌رسید. برخی از مطالب مندرج در نشریه نهضت روحانیت (دوم - آذر ۱۳۵۰ / شوال ۱۳۹۱ تا بیست و هشتم - مرداد ۱۳۵۲ / جمادی‌الثانی ۱۳۹۳)، بدین شرح بود:

- ۱- اخبار عمومی درباره علما و مراجع بزرگ اسلام مانند مراجعت آیت الله العظمی سید ابوالقاسم خوئی به عراق در محرم ۱۳۹۲/اسفند ۱۳۵۰.
- ۲- دستگیری و بازداشت مبارزین و فعالان سیاسی بر ضد رژیم پهلوی که برای نمونه به دستگیری مجدد آیت الله طالقانی و آیت الله حاج آقا حسین قمی اشاره کرد.
- ۳- فعالیت دانشجویان ایرانی و بازداشت و محاکمه آنان؛ اعتصاب دانشجویان ایرانی در خارج از کشور از جمله در سانفرانسیسکو، آلمان و فرانسه.
- ۴- تظاهرات مردم در شهرهایی همچون قم.
- ۵- اخبار مربوط به مجالس شورای ملی و سنا که در برخی مواقع مورد تحلیل قرار می گرفت.
- ۶- قماربازهای شاه و دیگر درباریان.
- ۷- خریدهای زنان دربار.
- ۸- دریافت نشان توسط دولتمردان و وابستگان حکومت پهلوی؛ امیرعباس هویدا - نخست وزیر وقت - در اسفند ۱۳۵۰ نشان البهأ را از سوی بهائیان دریافت کرده بود.
- ۹- زندانیان روحانی.
- ۱۰- نامه ها، اعلامیه ها و بیانیه های علما و روحانیون ایرانی به مناسبت های گوناگون سیاسی و اجتماعی و مذهبی.
- ۱۱- اعدامیها؛ (علاوه بر اخبار، در مقالاتی با عنوان «تظاهرات یا افتضاحات»، «اعدامهای دسته جمعی» و «اعدام رقم ۵۰۰۱» به تفصیل درباره آن خبرها سخن گفته است).
- ۱۲- قراردادهای متعدد نفتی که در آنها منافع ملی کمتر مورد توجه قرار می گرفت.
- ۱۳- درگیریهای خیابانی در تهران که معمولاً با شلیک گلوله سرکوب می شدند.
- ۱۴- روابط اقتصادی و سیاسی حکومت پهلوی با اسرائیل.
- ۱۵- استحکامات امنیتی و اطلاعاتی به کار رفته در کاخهایی که شاه در آنها زندگی یا کار می کرد. این گونه اخبار در نوشته ای با عنوان «آیا می دانید» آمده بود.
- ۱۶- ترجمه مقاله ها و مطالبی در زمینه هایی چون آزادی.
- ۱۷- آینده ایران.
- ۱۸- مسئله انتخابات در دوران حکومت پهلوی و نشان دادن پوز دمکرات منشی که با آنچه در واقعیت رخ می داد در تعارض و تناقض بود.
- ۱۹- فعالیتها، اقدامات و بگیر و ببندهای کمیته تحقیق و ضدخرابکاری که در ستاد فرماندهی کمیته مشترک ساواک، شهربانی و ارتش تشکیل شده بود.

- ۲۰- گرامی داشت و یادبود شهادت مبارزین .
- ۲۱- معرفی ، پردازش و پاسخ به نامه های وارده که در ستونی درج می شد .
- ۲۲- فعالیت برخی از گروه های مبارز وقت مانند سازمان مجاهدین خلق ایران .
- ۲۳- مسائل مختلف و متعدد مربوط به اقشار اجتماعی از جمله کارگران .
- ۲۴- تحلیل مقالات و نوشته های تعدادی از روزنامه های خارجی .
- ۲۵- اقدامات رژیم بعثی عراق که در مواقعی همراه با تعریف و تمجید بود .
- ۲۶- تحلیل ادوار گذشته تاریخ ایران و اسلام .
- ۲۷- امتناع مراجع بزرگ ایران از ملاقات با محمدرضا پهلوی و بی پاسخ گذاشتن درخواستهای حکومت برای انجام دیدار با آیات عظامی همچون سیدابوالحسن اصفهانی و بروجردی .
- ۲۸- قیام پانزده خرداد که در چند شماره به صورت سلسله مقاله بدان پرداخته شد .
- ۲۹- حوادث و رخدادهای صدر اسلام به مناسبتهای پیش آمده .
- ۳۰- تاریخ دودمان و سلسله پهلوی که افراد آن در مقالات متعددی با شرایط خاص زمانی ، به نقد کشیده می شد .
- ۳۱- فعالیتها و مبارزات روحانیون در صدساله اخیر و تقابلها و تعاملهای آنان با سلطنت که از میان آنها تلاش و مبارزه سیدجمال الدین اسدآبادی و آخوندملا محمدکاظم خراسانی درخور ذکر است .
- ۳۲- دیدگاه اسلام درباره سلطنت .
- ۳۳- مباحث نظری و بحث پیرامون برخی از علوم منقول .
- ۳۴- محاکمات و دفاعیات برخی از متهمین در دادگاههای تشکیل شده که در این باره دفاعیات مهندس مهدی بازرگان در چند شماره چاپ و منتشر گردید .
- ۳۵- اخبار اجتماعی مربوط به شهرهای مختلف ایران .
- ۳۶- دستگیریه و بازداشتها .
- ۳۷- کاریکاتورها و مطالب طنزآمیزی درباره محمدرضا شاه .
- ۳۸- کمکها و قراردادهای نظامی آمریکا با حکومت پهلوی .
- ۳۹- آمار زندانیان و خانواده ها و بستگانشان که به سختی روزگار می گذراندند .
- ۴۰- مقایسه حکومت محمدرضا پهلوی با شاهان گذشته ایران و تبیین شدت و عمق ستمهای وی نسبت به آنان .
- ۴۱- اصلاحات ارضی در ایران .

- ۴۲- تشریح مبارزه با رژیم پهلوی .
۴۳- معرفی و درج زندگانی شهدای روحانی .
۴۴- ساواک و اقدامات آن .
۴۵- اشاره به برخی از مناسبت‌های دوران حکومت پهلوی مانند چهارم آبان که از آن با عنوان «ولادت فساد و خیانت» تعبیر و در سرمقاله به مصادیق آن در جامعه ایرانی پرداخته شد.
۴۶- اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های گروه‌های فعال سیاسی .
۴۷- اوضاع دانشگاه‌ها و فعالیتهای سیاسی دانشجویان .
نهضت روحانیت بیش از ۲۸ شماره دوام نیاورد و با بهبود روابط دولتهای ایران و عراق ، انتشار آن هم در پرده محاق رفت . ۳۳ آخرین شماره آن در مرداد ۱۳۵۲ برابر با جمادی‌الثانی ۱۳۹۳ منتشر گردید و بعد از آن دیگر روی چاپخانه را به خود ندید .

پانوشتها:

- ۱- مصاحبه با سید محمود دعایی ، دفتر روزنامه اطلاعات ، ۱۳۸۵/۳/۳ ، یک نوار ، شماره صفحه پیاده شده : ۱ .
۲- همو ، صص ۴ و ۵ .
۳- خاطرات دکتر موسی اصفهانی (مصاحبه) ، تاریخ شفاهی ایران ، دانشگاه هاروارد ، ۱۹۸۵ م ، بخش اول ، ص ۷ .
۴- مصاحبه با سید محمود دعایی ، ص ۹ .
۵- خاطرات دکتر موسی ... ، بخش یک ، ص ۵ .
۶- همان جا ؛ سردار سرفراز شهید حجت الاسلام سیدعلی اندرزگو ، یاران امام به روایت اسناد ساواک (۸) ، تهران ، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات ، س ۱۳۷۷ ش ، ص ۱۰۵ .
۷- فهرست اسامی و مشخصات نمایندگان ۲۴ دوره مجلس شورای ملی ، تهران ، وزارت کشور ، نشریه شم ۵ ، س ۱۳۶۸ ش ، ص ۱۵ ؛ سرباز سرفراز ... ، همان جا .
۸- بجنوردی ، سید محمدکاظم ، «حزب ملل اسلامی» ، تاریخ و فرهنگ معاصر ، شم ۱ (مهر ۱۳۷۰) ، ص ۱۹۵ .
۹- وی در مصاحبه‌ای با شهلا ریاحی در امریکا در بخش تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد (مه ۱۹۸۵) ، از تأسیس حزب جمهوری اسلامی در قاهره یاد کرده است .
۱۰- سرباز سرفراز ... ، همان جا .

- ۱۱- فارسی، جلال‌الدین، زوایای تاریک، تهران، حدیث، س ۱۳۷۳ ش، ص ۲۲۰.
- ۱۲- همو، ۲۱۶.
- ۱۳- خاطرات دکتر موسی...، بخش یک، ص ۸.
- ۱۴- سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک (در عراق)، ج ۳، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، س ۱۳۷۸ ش، ص ۷۸.
- ۱۵- «امام در نجف، گفت و گو با حجت‌الاسلام سید محمود دعایی»، فصل‌نامه مطالعات تاریخی، ویژه‌نامه ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، س سوم، ش ۱۱ (زمستان ۱۳۸۴ ش)، ص ۲۳.
- ۱۶- همان‌جا.
- ۱۷- خاطرات دکتر موسی...، همان‌جا.
- ۱۸- سپهبد تیمور بختیار...، ص ۸۵.
- ۱۹- ساواک و روحانیت (بولتن‌های نویه‌ای ساواک از تاریخ ۴۹/۱۲/۲۵ تا ۵۷/۶/۳۰)، تهران، حوزه هنری، ۱۳۷۱ ش، ص ۳۵؛ امیرعلائی، شمس‌الدین، در راه انقلاب و دشواریهای مأموریت من در فرانسه، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۶۲ ش، صص ۳۹۱-۳۸۸-۳۵۶-۳۴۸.
- ۲۰- خاطرات دکتر موسی...، بخش دوم، ص ۹.
- ۲۱- «به حقیقت خداوند کسانی را که در راه او صف اندر صف جهاد می‌کنند دوست می‌دارد؛ چنان‌که گویی آنان بنیادهای ریخته شده از سرب‌اند» سوره صف، آیه ۴ و «گفت که همانا پادشاهان زمانی که به شهری درمی‌آیند آن را به تباهی کشند و گرانقدران اهلس را بی‌مقدار گردانند و این‌گونه عمل کنند.» سوره نمل، آیه ۳۴.
- ۲۲- نهضت روحانیت، ش ۳ (ذی‌الحجه ۱۳۹۱/بهمن ۱۳۵۰)، صص ۱ و ۷.
- ۲۳- همان، ش ۲ و ۴، ذی‌قلعه ۱۳۹۱/دی ۱۳۵۰ تا محرم ۱۳۹۲/اسفند ۱۳۵۰، صص ۱ و ۳.
- ۲۴- همان، ش ۹ (ربیع‌الثانی ۱۳۹۲/اردیبهشت ۱۳۵۱)، صص ۱ و ۳.
- ۲۵- همان، شماره‌های متعدد.
- ۲۶- همان، ش ۲ (ذی‌قلعه ۱۳۹۱/دی ۱۳۵۰)، صص ۴ و ۵.
- ۲۷- ساواک و روحانیت...، صص ۵۴-۵۳.
- ۲۸- نهضت روحانیت، همان، ص ۸.
- ۲۹- همان، ص ۱.
- ۳۰- «وزارت امور خارجه محرمانه اداره اول سیاسی
شماره: ۱۶۵۷۲/م/۱ تاریخ: ۱۳۵۱/۲/۲۷ سازمان اطلاعات و امنیت کشور»
تعداد هشت شماره هفته‌نامه به اصطلاح نهضت روحانیت چاپ عراق که از دفتر حفاظت منافع ایران در آن کشور رسیده است برای اطلاع به پیوست فرستاده می‌شود. پ امضا از طرف وزیر امور خارجه»
- ۳۱- روحانی (زیارتی)، سیدحمید، نهضت امام خمینی، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، س ۱۳۷۶ ش، صص ۵۹۸ و ۵۹۹.

مجله نهضت روحانیت

۳۲- نهضت روحانیت، ش. ۵ (محرم ۱۳۹۲/اسفند ۱۳۵۰)، صص ۱ و ۲.

۳۳- ساواک و روحانیت...، ص ۱۶۰.

